

Identifying the components of Islamic realism with an anthropological approach: Educational implications for faculty members

Mohammad Borzoi: Ph.D. Student, Educational Science Department, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.

Ladan Salimi *: Faculty Member, Educational Science Department, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.

Esmat Rasouli: Faculty Member, Educational Science Department, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.

Vahid Fallah: Faculty Member, Educational Science Department, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.

Abstract: The aim of this study was to identify the components of Islamic realism with an anthropological approach aimed at educational implications for faculty members. This research was done using a mixed-methods design. In the qualitative phase, a questionnaire was developed based on the opinion of experts obtained through semi-structured interviews and according to the results of content analysis. After performing exploratory factor analysis to explain the variance of effective factors and the matrix of rotating factors, finally 54 indicators including 18 factors for Islamic realism with an anthropological approach were identified and provided to university faculty members in form of a questionnaire. These questionnaires were analyzed by structural equations method, and after determining the weight of each factor, the effect of components and indicators was examined. Then, the proposed research model was presented to identify the components of Islamic realism with an anthropological approach to extract educational implications. The degree of appropriateness of the proposed model was confirmed according to the components of the research. The results also showed that the components of Islamic realism with an anthropological approach play an important and effective role in the development of faculty members' education.

Keywords: Islamic Realism, Anthropology, Education.

***Corresponding author:** Faculty Member, Educational Science Department, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.

Email: s.ladan@yahoo.com

مقدمه

بی شک انسان جالب ترین و در عین حال جنجالی ترین مقوله ای است که موضوع بحث صاحب نظران حوزه های مختلف علوم انسانی از جمله ادیان، فلسفه، اخلاق، تربیت، روانشناسی و جامعه شناسی را تشکیل می دهد. از آنجا که در همه حوزه های اصلی معرفت بشری، بررسی ابعاد وجودی انسان و ویژگی های او از مباحث اصلی و بنیادی، محسوب می شود، لذا می توان گفت "انسان شناسی" خط مشترکی است که حوزه های فوق را به هم مربوط می کند (نبیل 2019). انسان و انسان شناسی همواره یکی از مباحث و نحله های فلسفی و مکاتب تربیتی بوده و پیرامون مواردی چون داستان آفرینش و هبوط وی، ابعاد وجودی او، توانمندی های روحی و جسمی اش، قوه عقلانی وی و وجه تمایز او با دیگر موجودات عالم، مباحث فراوانی مطرح شده است (فروهرزاده 1390). موضوع خلقت آدم و جایگاه انسان در اسلام نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در قرآن کریم آیات فراوانی به بیان مرتبت والای انسان در میان سایر مخلوقات و شرح توانمندی ها و خصائص انحصاری او اختصاص یافته است. این آیات برای انسان جایگاه رفیعی را ترسیم کرده به طوری که او را جانشین خداوند در زمین و عالم به همه ی اسماء الهی معرفی می نماید (جمشیدی 1389).

آدمی در برخورد با وضعیت گوناگون همواره با پرسش هایی روبه رو می شود. آنگاه که انسان برای یافتن پاسخ این پرسشها به روش، یعنی جستجوی منظم و طبق قاعده رو کند و یافته های خود را در یک نظام اندیشه گرد آورد، علم یا فلسفه ساخته می شود (سدا و مجلا 2020). علم نظامی است از دانستنی های آزمودنی و سنجش پذیر و فلسفه، نظامی است از اندیشه های خردمندانه (نقیب زاده 1385). در تعریف فلسفه و بنیاد آن می توان گفت فلسفیدن حالتی از زندگانی است که رنگ ممتاز آن توجه به شناسایی است و فلسفه نتیجه حالت فلسفیدن است (نقیب زاده 1387). گوردون هولفیش نیز درباره فلسفه معتقد است فلسفه مأموریت دارد به انسان در تفکر عمیق تر به نتایج روزانه اش کمک کند تا انسان با حکمتی بیشتر، آن نتایجی را برگزیند

که به همه انسان ها کمک کند تا تفکرشان را عمیقتر کنند (فتوتیان و عبدی 1391). آموزش و پرورش در مفهوم وسیع، به کلیه فرایندهایی اطلاق می شود که زندگی فرهنگی را برای انسان تأمین می کند. از راه زندگی در فرهنگ و مشارکت در آن، انسان نابالغ به تدریج فرهنگ را اخذ می کند و در آن سهیم می شود. افراد و نهادهای اجتماعی متعددی در فرایند فرهنگی کردن نسل جوان دست اندرکارند (امیر امینی خلف لو 1397). خانواده، گروه همسالان، جامعه، رسانه های گروهی، مذهب و دولت همگی بر فرد تأثیر سازنده دارند. نظریه پردازان آموزش و پرورش و فلاسفه از دیر باز نقش تربیتی تأثیرات متقابل فرد و جامعه را شناخته و کوشیده اند تا نوع نظام اجتماعی را که بر استعداد های انسانی مبتنی بوده و آنها را شکوفا می سازد مشخص سازند (امینی 1390؛ حسنی 1391). به مفهومی رسمی تر و عامدانه تر، آموزش و پرورش در مدرسه تحقق می یابد، نهادهای اجتماعی ویژه ای که به منظور پروردن مهارت ها، دانش ها و ارزش های مطلوب در متعلمان تأسیس شده است (جرالد ال. گوتگ 1390).

اکثر فیلسوفانی که درباره تعلیم و تربیت بحث کرده اند از دو طریق فلسفه را با تعلیم و تربیت ارتباط می دهند (خسروپناه 1389؛ نقیب زاده 1387).

دسته ای فلسفه را رشته ای فرض می کنند که درباره متافیزیک، چگونگی معرفت شناسی و ارزش شناسی بحث می کند. این دسته آرای فلسفی را بر اساس همانندیها و شباهتها با هم ارتباط داده و مکتهای فلسفی نظیر ایده آلیسم، رئالیسم، پراگماتیسم، فلسفه اصحاب مدرسه، مکتب تحقیقی منطقی و فلسفه وجودی را تشکیل می دهند. از طرف دیگر تعلیم و تربیت نیز رشته ای را تشکیل می دهد که در آن شاگرد، معلم، مواد درسی، فعالیت های تربیتی، روش تدریس و هدف های اساسی تعلیم و تربیت مورد بحث واقع می شوند (شریعتمداری 1388). دسته دوم فلسفه را به عنوان روشی مخصوص در برخورد با مسائل تربیتی مورد استفاده قرار می دهند. به نظر این دسته فلسفه تعلیم و تربیت عبارت است از اجرای روش فلسفی در برخورد با مسائل تربیتی (شریعتمداری 1373). یکی از

امیر امینی خلف لو (1397) در تحقیقی به بررسی تعلیم و تربیت و رابطه آن با دیدگاه های مخلف فلسفی (دیدگاه اسلامی، دیدگاه ایده آلیسم، دیدگاه رئالیسم و دیدگاه پراگماتیسم) پرداخت. تأکید دیدگاه اسلامی در این تحقیق بر این اصل استوار است که تعلیم و تربیت باید بر اساس جهان بینی اسلام استوار باشد و دیدگاه ایده آلیسم نیز بر اندیشه صرف انسان تأکید دارد ضمن این که امور مادی را نیز نادیده نمی گیرد. دیدگاه رئالیسم نیز بر ادراکات حسی انسان در کسب تجربه و آموزش تأکید دارد و دیدگاه پراگماتیسم بر عمل گرایی و اصالت به عمل، تجربه و حل مسئله تأکید دارند؛ و در پایان به مقایسه این دیدگاهها پرداخت.

نبیل امیر (2019)، رزاق و رسو (2019)، ویلیامز (2019)، ترانر و همکاران (2017) نیز در بررسی معانی و دلالت های محتمل آموزش انتقادی مذهب اسلامی به توسعه روش های تطبیقی انتقادی واقع گرا برای پژوهش مذاهب، نظام های عقیدتی و آموزش و پرورش پرداخته اند و معتقدند که یک رویکرد " تطبیقی انتقادی واقع گرا " می تواند نقاط ضعف روش های موجود را کاهش دهد. نتیجه می گیرد که هستی شناسی و معرفت شناسی می توانند بر دیدگاه های کنونی درباره " اخبار کذب " و " بررسی حقیقت " به کار گرفته شوند.

از سویی تعلیم و تربیت حقیقی که بتواند به ایجاد تحول در انسان ها منجر شود، بدون برخورداری از جنبه های نظری مشخص و روشن و داشتن تصویر و توصیفی جامع میسر نیست. از این رو در هر نظام فکری - فلسفی تلاش می شود که تعلیم و تربیت آن مبتنی بر دیدگاه های فلسفی اصیل رایج در همان جامع استوار گردد. به همین دلیل است که دستیابی به یک فلسفه تربیتی بومی همواره از سوی رهبر انقلاب اسلامی و دیگر مسئولان کشور به عنوان اولین و مهمترین اولویت نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی، قلمداد شده است.

از سویی مروری بر تحقیقات انجام شده در حوزه رئالیسم اسلامی با رویکرد انسان شناسی و تطبیق آن با اهداف عمده ای این تحقیق نشان می دهد که شناسایی مؤلفه های

ماندگارترین فلسفه های دنیای غرب، رئالیسم است. رئالیسم را می توان به عنوان موضعی فلسفی تعریف کرد که به وجود نظامی عینی از واقعیت و امکان دستیابی انسان به معرفت درباره آن واقعیت قائل است. رئالیسم ها مانند ایده آلیست ها گوناگون هستند. خاستگاه مشترک اقسام رئالیست ها آثار ارسطوست (گوتک جerald لی 1390).

فیلسوفان اسلامی نیز برخلاف ایده آلیست ها معتقد به جهان خارج از ذهنند و بر خلاف شکاکان حقایق عینی را قابل شناخت می دانند. ولی دستی را مساوی ماده نمی دانند بلکه معتقدند غیر از جهان مادی نیز حقایق وجود دارد که بهره آن ها از واقعیت نه تنها کمتر از مادیات نیست بلکه بیشتر و والاتر است و از همه بالاتر وجود حق تعالی است که در عین عادی نبودن، واقعیت پخش هر واقعیت است. منشأ این اعتقاد نیز آشنایی با عقاید ارسطو و دیگر فیلسوفان یونانی و همچنین تحت تأثیر قرآن درباره طبیعت و آفرینش آن بیان شده و توجه به معرفت عمومی است که برای اشیاء به وجودی مستقل قائل می باشند (کونگ 1389). در این مکتب، جهان بینی یا حکمت نظری رئالیسم اسلامی، اساس مسائل تربیتی در این دیدگاه است و اساس و پایه این جهان بینی، توحید است (مطهری 1380). این ارتباط یک ارتباط منطقی است که می تواند بر انسجام و هماهنگی نظام تربیتی آن تأثیر بسزایی داشته، آن را به عنوان یک نظام خاص تعلیم تربیت مطرح کند. با توجه به این مقدمه، مبانی تعلیم و تربیت رئالیسم اسلامی را می توان به طور کلی بدین صورت تعریف کرد: " دیدگاه های کلی رئالیسم اسلامی درباره هستی، خدا، انسان و ابعاد وجودی اوست که پایه و اساس تعلیم و تربیت را تشکیل می دهد و کمال نهایی، حرکت به سوی مقصد نهایی که همان قرب الی الله است، می داند این دیدگاه، هدف تعلیم و تربیت در این دیدگاه، قرب الهی و پرورش عبد صالح است. لذا می توان گفت، نظام تربیتی رئالیسم اسلامی، خدا محور است " (ندایی 1374).

انسان شناسی و رویکردهای متفاوت به آن در میان محققان و متخصصان در سالیان اخیر بسیار مورد توجه واقع شده است و مطالعات متعددی در این رابطه برای شناخت هر چه بهتر این متغیر با مبانی دینی و فلسفی آن انجام شده است.

رئالیسم اسلامی با رویکرد انسان شناسی در راستای توسعه آموزش اعضای هیئت علمی، مورد توجه قرار نگرفته است. بنابراین با توجه خلأهای پژوهشی در رابطه با رئالیسم اسلامی با رویکرد انسان شناسی و همچنین با توجه به مطالب ارائه شده، اهمیت و ضرورت پژوهشی در حوزه رئالیسم اسلامی با رویکرد انسان شناسی مشهود است. لذا هدف از پژوهش حاضر، شناسایی مؤلفه های رئالیسم اسلامی با رویکرد انسان شناسی در راستای توسعه آموزش اعضای هیئت علمی است.

روش کار

تحقیق حاضر از نظر هدف از نوع تحقیقات کاربردی است و از نظر نحوه گردآوری داده ها (طرح تحقیق) از نوع تحقیقات ترکیبی اکتشافی می باشد. شیوه گردآوری داده ها در این تحقیق از طریق مصاحبه، پرسشنامه و مطالعات کتابخانه ای می باشد. جامعه آماری این پژوهش را کلیه معلمان ابتدایی دولتی و غیر دولتی تمام وقت و حق التدریس آموزش و پرورش شهر ری به تعداد 315 نفر می باشد. جامعه مورد بررسی در دو مرحله کمی و کیفی مشخص گردیده است. در بخش کیفی، نمونه گیری هدفمند و تا مرحله اشباع صورت گرفت به این صورت که فهرستی از خبرگان دانشگاهی تهیه و سپس با آنها تماس گرفته شد و مصاحبه به صورت باز و نیمه ساختار یافته انجام شد و در نهایت تعداد 20 نفر از اساتید خبره (اساتید رشته علوم تربیتی دانشگاه و پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش و خبرگان آموزش و پرورش) در این تحقیق همکاری کردند و داده های تحقیق اشباع شد. مقدار نمونه در بخش کمی بر اساس فرمول کوکران در سطح خطای 0.05 تقریباً 290 نفر محاسبه شده است.

ابزار تحقیق در بخش کمی پرسشنامه محقق ساخته رئالیسم اسلامی با رویکرد انسان شناسی به منظور استخراج

استلزامات تربیتی است که در مرحله کیفی با مطالعه مبانی نظری و مصاحبه با اساتید و خبرگان دانشگاه و آموزش و پرورش ابعاد و مؤلفه های آن شناسایی و تدوین گردید، به عنوان ابزار گردآوری داده ها در بخش کمی پژوهش مورد استفاده قرار گرفت. پرسشنامه مذکور دارای 54 شاخص بوده که از 18 مؤلفه تشکیل شده است. مؤلفه ها و شاخص های مؤثر عبارتند از: حقیقت جویی، حس زیبایی، حس نیکی، فطرت اولیه و ثانویه، فطرت ادراکی، فطرت گرایش، تمیز در اندیشه، منش، کنش، شناخت، میل و گرایش به شناخت، قدرت شناخت بعد مادی روح انسان، بعد معنوی انسان، بعد فطری انسان، مشارکت اجتماعی، انفاق، همدلی و نوع دوستی که در طیف 5 گزینه ای لیکرت (کاملاً مخالفم، مخالفم، بی نظرم، موافقم و کاملاً موافقم) طراحی و تنظیم شده که به ترتیب از 1 تا 5 نمره گذاری می شود. روایی محتوایی پرسشنامه توسط خبرگان دانشگاه مورد تأیید قرار گرفت. برای سنجش روایی سازه به سبب امکان مستقل نبودن عوامل از یکدیگر، شیوه چرخش واریماکس - یکی از روش های تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. با انجام تحلیل عاملی اکتشافی، ساختار بنیادین متغیرها و عامل های مربوط به آن ها و روایی پرسشنامه پژوهش مورد آزمون قرار می گیرد. برای بررسی روایی سازه، از دو معیار روایی همگرا و واگرا استفاده شد که مختص مدل سازی معادلات ساختاری با رویکرد است. در قسمت روایی همگرا، معیار میانگین واریانس استخراج شده به کار برده شد. نتایج به دست آمده از بارهای عاملی گویه های هر عامل و شاخص t مربوط به آن نشان داد، کلیه گویه ها دارای بار عاملی بیش از 0.5 بودند. همچنین کلیه متغیرها دارای میانگین واریانس استخراج شده، بالای 0.5 بودند، لذا روایی همگرا این متغیرها تأیید شد.

جدول 1. اطلاعات پرسشنامه و محاسبه روایی و پایایی

Table 1. Questionnaire specifications and calculation of its validity and reliability

متغیر	الفای کرونباخ	CR	AVE	MSV	ASV	1	2	3	4	5	6	7	8	9	10
روح و نفس	0.88	0.90	0.54	0.46	0.51	1.00									

فطرت	0.80	0.87	0.63	0.35	0.43	0.68	1.00							
عقل	0.80	0.86	0.51	0.32	0.41	0.53	0.49	1.00						
اراده	0.97	0.97	0.54	0.34	0.34	0.70	0.65	0.50	1.00					
دو بعدی	0.76	0.86	0.67	0.42	0.58	0.70	0.56	0.43	0.72	1.00				
اجتماعی ..	0.75	0.88	0.72	0.17	0.65	0.35	0.38	0.41	0.39	0.17	1.00			
هستی شناسی..	0.90	0.91	0.65	0.32	0.35	0.63	0.69	0.64	0.95	0.70	0.41	1.00		
انسان شناسی...	0.89	0.91	0.62	0.48	0.61	0.52	0.59	0.62	0.56	0.72	0.29	0.490	1.000	
شناخت شناسی...	0.83	0.88	0.60	0.45	0.51	0.69	0.67	0.44	0.63	0.66	0.29	0.661	1.00	
ارزش شناسی...	0.61	0.83	0.72	0.32	0.71	0.58	0.44	0.43	0.64	0.45	0.14	0.514	0.55	1.000

یافته ها

داده‌های حاصل از پرسشنامه جهت تدوین مدل نهایی با دو روش تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی مورد تحلیل قرار می‌گیرند. در تحلیل عاملی اکتشافی، ابتدا باید از این مسئله اطمینان یافت که می‌توان داده‌های موجود را برای تحلیل به کار برد یا خیر؟ بدین منظور از شاخص KMO و آزمون بارتلت استفاده می‌شود که شاخص KMO به منظور کفایت نمونه‌گیری از طریق ارزیابی کوچک بودن همبستگی جزئی بین متغیرها بررسی می‌شود. براساس نتایج به دست آمده، شاخص KMO مقدار تقریباً 0.687 را نشان می‌دهد که حاکی از کفایت داده‌های مربوط به عوامل مؤثر شناسایی شده برای تحلیل عاملی می‌باشد.

پس از اطمینان از توانایی انجام تحلیل اکتشافی فرایند تحلیل آغاز می‌گردد. تحلیل عاملی اکتشافی با شیوه تحلیل مؤلفه‌های اصلی و چرخش واریماکس انجام می‌گردد. بر اساس نتایج حاصل از بخش کیفی، 54 شاخص شناسایی شده تحلیل عاملی اکتشافی انجام شد. برای این منظور با استفاده از چرخش واریماکس عواملی که بار عاملی آنها بالاتر از 0.5 بودند بر اساس ادبیات تحقیق و نظر اساتید در یک دسته قرار گرفتند و متغیرهایی که مقادیر اشتراک استخراجی آن‌ها کوچک تر از 0.5 هستند، حذف شدند. البته این کار به صورت مرحله‌ای انجام می‌شود و از متغیرهایی با مقادیر اشتراک استخراجی پایین‌تر آغاز

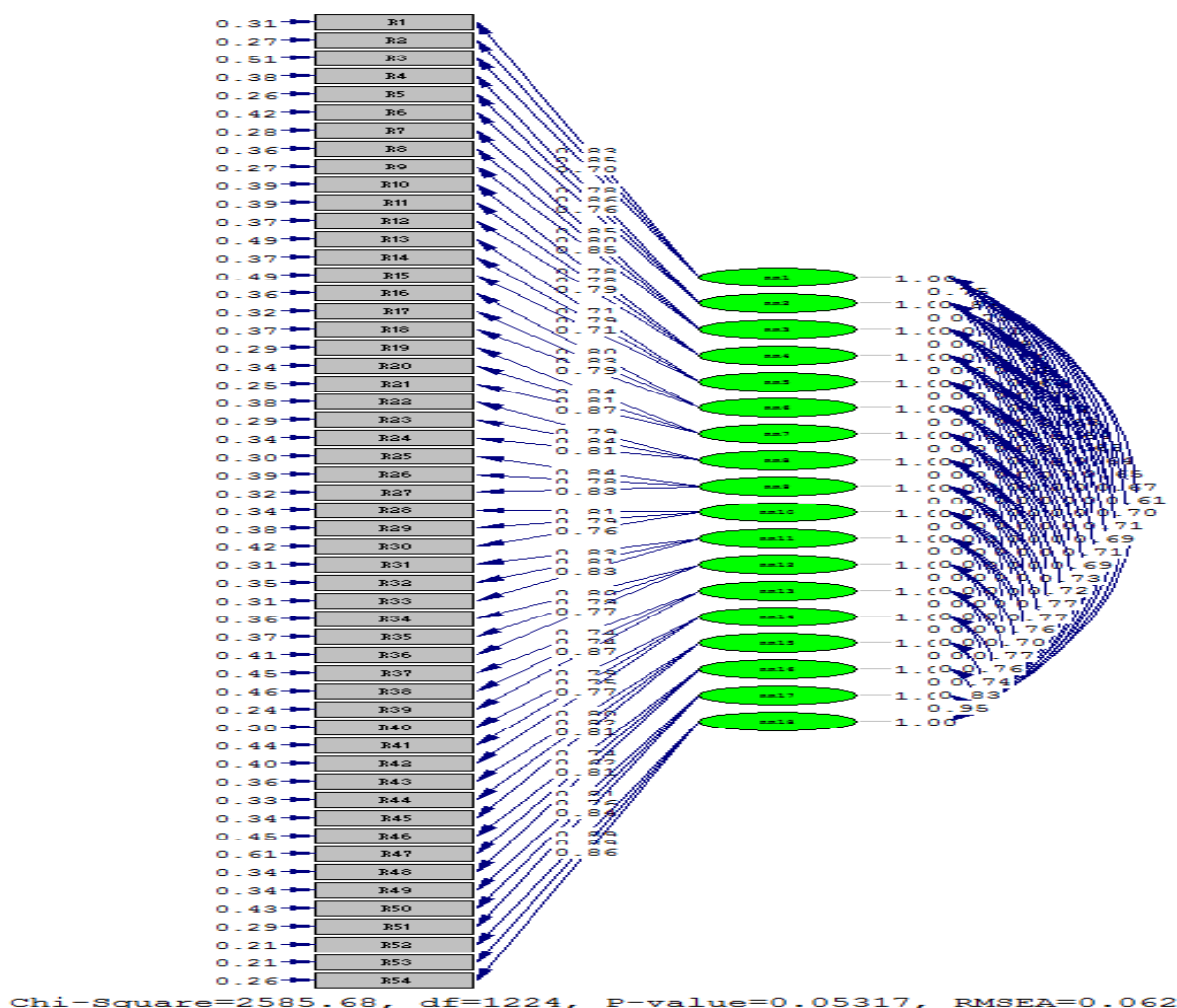
با توجه به جدول 1 می‌توان گفت پایایی ابعاد مورد تأیید است. زیرا آلفای کرونباخ و ضریب پایایی ترکیبی بالای 0.7 است و همچنین $AVE > 0.5$ است. روایی همگرا مورد تأیید است، زیرا $CR > 0.7$ ؛ $CR > AVE$ ؛ $AVE > 0.5$ و همین‌طور روایی واگرا نیز مورد تأیید است، زیرا $MSV < AVE$ و $ASV < AVE$ است. علاوه بر این، به مقایسه جذر میانگین واریانس استخراج شده هر سازه با مقادیر ضریب همبستگی بین سازه‌ها برای بررسی روایی واگرا پرداخته شد. مقادیر جذر میانگین واریانس استخراج شده در سطر و ستونی که قرار داشتند، بیشترین مقدار را نشان می‌داد که بیانگر وجود روایی واگرا در بین متغیرهای پژوهش بود. همچنین در این تحقیق به منظور تعیین پایایی ابزار گردآوری داده‌ها از روش آلفای کرونباخ توسط نرم افزار Spss-23 استفاده شد. مقادیر این ضرایب برای همه متغیرها بالای 0/7 بود که بیانگر پایایی مناسب پرسشنامه بود. در این پژوهش موازین اخلاقی شامل اخذ رضایت آگاهانه، تضمین حریم خصوصی و رازداری رعایت شد. همچنین زمان تکمیل پرسشنامه‌ها ضمن تأکید به تکمیل تمامی سؤال‌ها، شرکت کنندگان در مورد خروج از پژوهش در هر زمان و ارائه اطلاعات فردی مختار بودند و به آنها اطمینان داده شد که اطلاعات محرمانه می‌ماند و این امر نیز کاملاً رعایت شد. پژوهش حاضر با کد اخلاق IR.IAU.TMU.REC.1399.989 ثبت شد.

یکدیگر پرداخته می‌شود، یعنی آزمون مدل مفهومی پژوهش با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی که با نرم‌افزار lisrel مورد بررسی قرار می‌گیرد.

به منظور تأیید معنادار بودن رابطه بین متغیرها مطابق با نمودار تمامی مسیرها از ضرایب بارهای عاملی بالاتر از 0/4 برخوردارند که نشان دهنده مناسب بودن معیار است. حال باید معناداری ضرایب تخمین زده شده مورد بررسی قرار گیرد که در نمودار 1 نمایش داده شده است.

می‌شود. در نهایت براساس نتایج بخش کیفی و تحلیل عاملی اکتشافی ابعاد و مؤلفه های رئالیسم اسلامی با رویکرد انسان‌شناسی به منظور استخراج استلزامات تربیتی تعداد شاخص های پرسشنامه بعد از چرخش واریمکس به دلیل بارعاملی پایین تر از 0.4 به 54 شاخص کاهش یافت در نهایت مدل تأییدی عوامل و شاخص های رئالیسم اسلامی با رویکرد انسان‌شناسی به منظور استخراج استلزامات تربیتی ارائه گردید.

در پی شناسایی مدل رئالیسم اسلامی با رویکرد انسان‌شناسی به منظور استخراج استلزامات تربیتی، به بررسی تأثیر متغیرهای آشکار و پنهان شناسایی شده بر

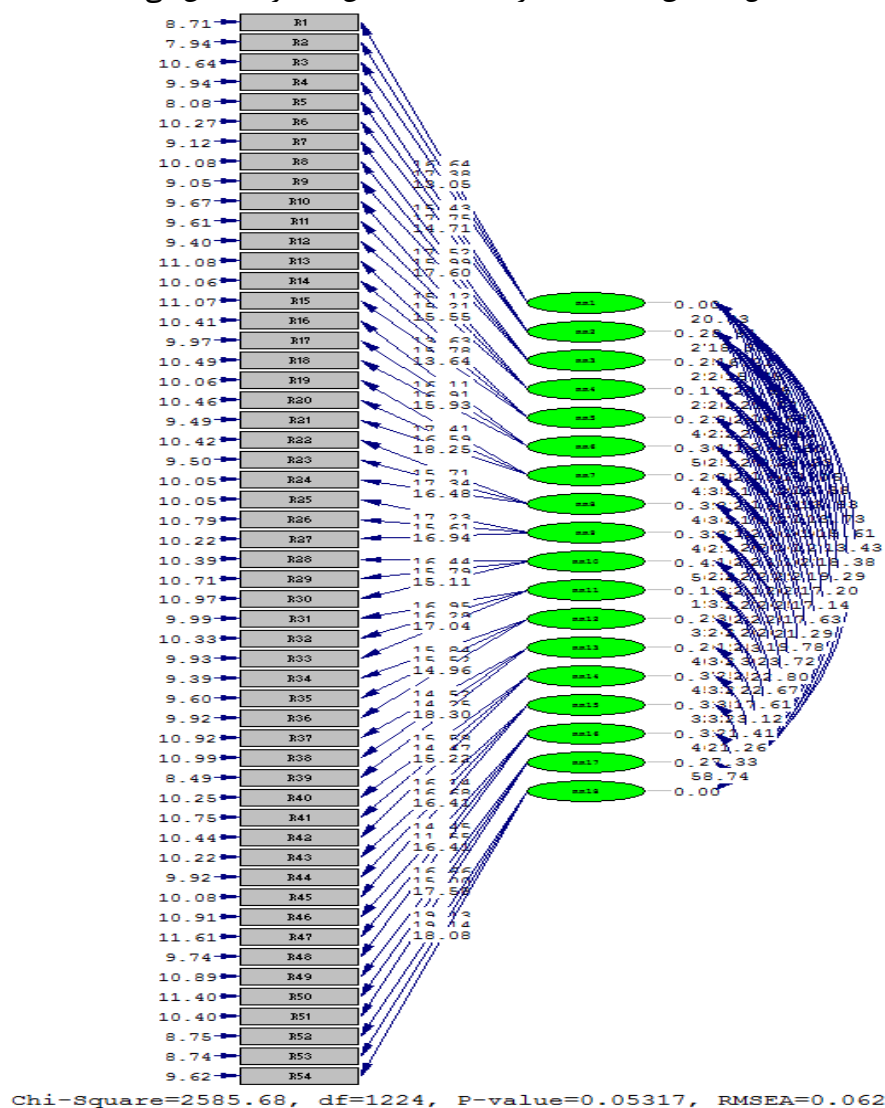


نمودار 1. مدل رئالیسم اسلامی با رویکرد انسان‌شناسی در حالت تخمین ضرایب استاندارد

Figure 1. Islamic realism model with an anthropological approach in the estimation mode of standard coefficients

آزمون T مورد بررسی قرار گرفت. نمودار 1، رابطه معناداری ابعاد و مؤلفه‌های شکاف عملکرد را در سطح اطمینان 99 درصد نشان می‌دهد.

در تحلیل عاملی تأییدی پیش فرض اساسی آن است که هر عاملی با زیرمجموعه خاصی از متغیرها ارتباط دارد با استفاده از نرم‌افزار Lisrel مدل تحقیق با استفاده از



نمودار 2. مدل رئالیسم اسلامی با رویکرد انسان‌شناسی در حالت معناداری ضرایب استاندارد

Figure 2: Islamic realism model with an anthropological approach in a significant mode of standard coefficients

سطح اطمینان 99 درصد تأیید شد؛ زیرا آماره t برای این مسیر بیشتر از 2.58 به دست آمد.

بر اساس نمودار فوق، رابطه بین مؤلفه های مدل رئالیسم اسلامی با رویکرد انسان‌شناسی با شاخص ها در

جدول 2. شاخص های مطلق / نسبی مربوط به متغیر رئالیسم اسلامی با رویکرد انسان‌شناسی

Table 2. Absolute / relative indicators related to the variable of Islamic realism with an anthropological approach

ردیف	شاخص های برازندگی مطلق / نسبی	مدل برازش شده	معیار ارزیابی	نتیجه
1	Chi - square/df	(2585.68/1224)=2.11	بین 1 تا 3	مناسب
2	RMSEA	0/062	کمتر از 0/1	مناسب
3	NFI	0/93	حداقل 0/9	مناسب
4	NNFI	0/96	حداقل 0/9	مناسب
5	CFI	0/97	حداقل 0/9	مناسب

مناسب	حداقل 0/9	0/97	IFI	6
مناسب	حداقل 0/9	0/92	RFI	7
مناسب	کمتر از 0/08	0/052	SRMR	8
مناسب	حداقل 0/9	0/90	GFI	9
تقریباً مناسب	حداقل 0/9	0/87	AGFI	10

از سویی رئالیسم اسلامی بر همه جنبه های تعلیم و تربیت تأثیر دارد. در این مکتب، جهان بینی یا حکمت نظری رئالیسم اسلامی، اساس مسائل تربیتی در این دیدگاه است و اساس و پایه این جهان بینی، توحید است. این ارتباط یک ارتباط منطقی است که می تواند بر انسجام و هماهنگی نظام تربیتی آن تأثیر به سزایی داشته، آن را به عنوان یک نظام خاص تعلیم تربیت مطرح کند.

امیر امینی خلف لو (۱۳۹۷) در تحقیقی به بررسی تعلیم و تربیت و رابطه آن با دیدگاه های مخلف فلسفی (دیدگاه اسلامی، دیدگاه ایده آلیسم، دیدگاه رئالیسم و دیدگاه پراگماتیسم) پرداخت. تأکید دیدگاه اسلامی در این تحقیق بر این اصل استوار است که تعلیم و تربیت باید بر اساس جهان بینی اسلام استوار باشد و دیدگاه ایده آلیسم نیز بر اندیشه صرف انسان تأکید دارد ضمن این که امور مادی را نیز نادیده نمی گیرد. یافته های این پژوهش با یافته های پژوهش حاضر همسویی دارد.

فتوتیان و عبدی (۱۳۹۱) نیز در پژوهشی به بررسی رابطه انسان شناسی و روش شناسی در پارادایم های اثبات گرایی و رئالیسم انتقادی پرداختند و با در نظر گرفتن ارتباط میان روش شناسی و انسان شناسی پارادایم های رئالیسم انتقادی و اثبات گرایی که می توان این رابطه را در دیگر پارادایم های موجود نشان داد، چنین نتیجه گیری کرده اند که نمی توان بدون در نظر گرفتن مبانی انسان شناسی و معرفت شناسی هر مکتب به استفاده از مدل روشی آن در چارچوب منظومه معرفتی دیگر پارادایم پرداخت؛ زیرا اصول روشی هر پارادایم در نسبت با نگاه پارادایم به انسان و معرفت و جایگاه او در هستی تشکیل شده است و پذیرفتن اصول روشی آن پارادایم به معنای پذیرش نگاه آن پارادایم به انسان و نحوه کسب معرفت انسان است و اگر بپذیریم که انسان شناسی یک پارادایم، با مبانی دینی ما ناسازگار است، باید توجه به

با توجه به داده های جدول 1 و نمودار 2 مشاهده می شود که آماره خی 2585.68 با درجه آزادی 1224 و سطح معناداری 0/05317 و مقایسه این سطح معناداری با 0/05 نتیجه می شود، برازش دقیق مدل با داده های گردآوری شده تأیید می شود، از سوی دیگر نسبت آماری خی 2 به درجه آزادی نیز برابر 2.111 است و از آنجا که مقدار آن کوچکتر از 5 شده است می توان نتیجه گرفت مدل برازندگی حداقلی را می تواند داشته باشد با این وجود با توجه به مقدار جذر برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA) که مقدار آن 0/062 شده است. همچنین با توجه به جذر شاخص ریشه میانگین مجذور مانده ها (SRMR) که مقدار آن 0/052 می باشد می توان نتیجه گرفت خطای مدل زیاد نیست. همچنین با توجه به سایر شاخص های برازندگی مطلق / نسبی مانند GFI، RFI، IFI، CFI، NNFI، NFI، AGFI، به ترتیب با مقادیر 0/97، 0/96، 0/93، 0/92، 0/90، 0/87 و در مقایسه با مقادیر متعارف برای مدل های دارای برازندگی مناسب، می توان نتیجه گرفت مدل رئالیسم اسلامی با رویکرد انسان شناسی به منظور استخراج استلزامات تربیتی ساختار مناسبی دارد.

بحث و نتیجه گیری

شناخت انسان و مطالعه ابعاد مختلف او همواره در کانون توجه فلاسفه تعلیم و تربیت و توسعه آموزش قرار داشته است، زیرا از یک سو چگونگی معنا و هدف زندگی انسان تعیین کننده مسیر تربیتی اوست و از سوی دیگر، کشف اصول تعلیم و تربیت مستلزم بررسی دقیق جنبه های مختلف حیات انسان است (شریتمداری ۱۳۸۶). به همین دلیل در دوران معاصر پرسش های مربوط به ماهیت انسان و غایت تعلیم و تربیت در کانون توجه فلاسفه تعلیم و تربیت قرار گرفته و از اهمیت، حساسیت و پیچیدگی بالایی برخوردار شده است.

کشورمان، دستیابی به اهداف سند چشم انداز بیست ساله و اهداف سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش ایران را با توجه به شناخت ابعاد و مؤلفه های تشکیل دهنده آن آسان تر خواهد ساخت. علاوه بر اهمیت بالای عنوان تحقیق مبنی بر رئالیسم اسلامی با رویکرد انسان‌شناسی در سیستم آموزش و پرورش و توسعه آموزشی، جایگاه سازمان مورد بررسی نیز بر اهمیت پژوهش می‌افزاید؛ پژوهش حاضر بر دانش آموزان به عنوان مهمترین و اساس نیروی انسانی ایران تکیه دارد و داده‌های مصداقی و انضمامی پژوهش از متخصصان آگاه و تأثیرگذار بر این سازمان خواهد بود و الگوی نهایی در سطح دقیق‌تر آن منطبق بر ملاحظات این سازمان است. در بررسی یافته‌های پژوهشی در داخل و خارج از کشور با یافته‌های پژوهش حاضر دریافتیم که در درجه اول، طیف محدود مطالعات انجام شده در حوزه رئالیسم اسلامی با رویکرد انسان‌شناسی، نقطه ضعف ویژه‌ای بود که پژوهشگر با آن مواجه شد و در درجه بعد، همان مطالعات انجام شده اندک و همچنین مدل‌ها و تئوری‌های ارائه شده، با توجه به شرایط فرهنگی، اجتماعی، مؤلفه‌های خاصی را بررسی نموده‌اند و مدل پیشنهادی خود را بر آن مبنا ارائه داده‌اند؛ بنابراین، با توجه به شرایطی که عنوان شد، نمی‌توان مدل پیشنهادی در تحقیق حاضر را که با توجه به کمبود منابع، شرایط اسلامی، اجتماعی و فرهنگی کشورمان و در عین حال، توجه به جهان متغیر و در حال تغییر امروز طراحی و تدوین گشته است، مقایسه نماییم.

با توجه به نتایج پژوهش پیشنهاداتی ارائه می‌شود:

مشابه در سایر مقاطع و سازمانهای آموزشی دیگر انجام شود و نتایج حاضر مقایسه شود، از مدیران لایق و آموزش دیده که دارای ذهنیت فلسفه رئالیسم اسلامی با رویکرد انسان‌شناسی هستند برای اداره مدارس استفاده شود، پژوهشی با هدف تعیین زیرساختهای موردنیاز برای اجرای مدل پیشنهادی انجام گیرد، هدف از آموزش فلسفه رئالیسم اسلامی به عنوان پوستره‌های رنگی و دیوار نویسی روبروی چشمان تمام ارکان آموزشی قرار گیرد.

از جمله نقاط ضعف پژوهش می‌توان به محدودیت در انتخاب اعضای هیئت علمی به واسطه شرایط جغرافیایی

نارسایی‌ها و کاستی‌های آن در نگاه دینی باشیم و توجه کنیم که استفاده از مدل‌های روشی آن پارادایم، برای مثال رئالیسم انتقادی، ما را به پژوهش مطلوب در مدل دینی خود نخواهد رساند یافته‌های پژوهش فتوتیان و عبدی با یافته‌های پژوهش حاضر همسویی دارد.

همچنین یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهش جاویدی کلاته و عالی (1389) همسویی دارد. که به بررسی مبانی انسان‌شناسی برخی از فلاسفه پست مدرن و اهداف تربیتی مترتب بر آن پرداختند که در این خصوص، ابتدا مفروضات انسان‌شناسی برخی از نمایندگان اصلی این مکتب مانند مارتین هادپر، فردریش نیچه، میشل فوکو، ریچارد رورتی و ژان فرانسوا لیوتار درباره‌ی پیوستی انسان، چگونگی مسئولیت انسان، انسان زمینی یا انسان مابعدالطبیعی، انسان محصول گفتمان، طبیعت تاریخی انسان و انسان و نیروهای اجتماعی و سیاسی بررسی شد. نتایج نشان می‌دهد که از منظر تربیتی می‌توان انتقادهای اساسی را بر اهداف تربیتی فلاسفه پست مدرن وارد کرد که منجر به ناکارآمدی این اهداف در عرصه عمل شده است

پژوهش حاضر با هدف ارائه مدل کیفی رئالیسم اسلامی با رویکرد انسان‌شناسی انجام گرفته است که جامعه آماری آن را جامعه کیفی این پژوهش شامل متخصصان حوزه فلسفه اسلامی و فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی در کشور ایران و اسناد موجود در این زمینه، تشکیل داده اند. تلاش پژوهش حاضر برای تدوین مدل مناسب رئالیسم اسلامی با رویکرد انسان‌شناسی جهت اعتبار بخشی به استلزامات تربیتی، از چند منظر واجد اهمیت بسیار است؛ از یک‌سو به شناخت بهتر مخاطبان و آموزش و پرورش نسبت به تغییرات پارادایم مربوط به انسان‌شناسی جهت شناخت استلزامات تربیتی جهت رسیدن به اهداف نظام تعلیم و تربیت در جهان مدرن کمک می‌کند؛ از سوی دیگر مؤلفه‌های مهم تشکیل دهنده مدل رئالیسم اسلامی با رویکرد انسان‌شناسی جهت اعتبار بخشی به استلزامات تربیتی در آموزش و پرورش را شناسایی می‌کند؛ و در نهایت استفاده از مدل مناسب رئالیسم اسلامی با رویکرد انسان‌شناسی جهت اعتبار بخشی به استلزامات تربیتی در دنیا با توجه به ضرورت بومی‌سازی الگوها در

Sciences and Psychology, University of Isfahan. [In Persian]

Javidi Kalateh Jafarabadi T, (2010). Anthropological foundations of postmodernism and its educational implications. *Quarterly Journal of Islamic Philosophy and Theology. the Mirror of Knowledge. Shahid Beheshti University. Summer.* [In Persian]

Khosrow Panah A, Mirzaei R. (2010). What is anthropology? *Journal of Religious Anthropology*, Vol.7, No.24, Pp. 56-35. [In Persian]

Nadaei H. (1995). *Philosophy of Education. Tehran: Office and University Cooperation Office, Samat. First volume.* [In Persian]

Naqibzadeh M.A.H. (2008). A look at the *philosophy of education, Tehran, Tahoori. Twenty-third edition.* [In Persian]

Shariatmadari A. (2009). Principles and Philosophy of Education; *Tehran, Amirkabir, 36th edition.*

Tratner Adam E. (2017). Individual differences in childhood religious experiences with peers. *Personality and Individual Differences.*

Williams Ch. (2019). Developing critical realist comparative methods for researching religions, belief-systems, and education. *Revisit Española de Education Comparada.*

اشاره کرد و همچنین طیف محدود مطالعات انجام شده در حوزه رئالیسم اسلامی با رویکرد انسان‌شناسی، نقطه ضعف ویژه‌ای بود که پژوهشگر با آن مواجه شد. با توجه به خلأهای پژوهشی در رابطه با موضوع و همچنین جامع و کاربردی بودن موضوع پژوهش می‌توان انتخاب مناسب موضوع پژوهش شناسایی مؤلفه های رئالیسم اسلامی با رویکرد انسان‌شناسی در راستای توسعه آموزش اعضای هیئت علمی راز جمله نقاط قوت پژوهش حاضر دانست.

References

- Amini M. (2011). Explaining anthropology from the point of view of Sabzevari Malahadi and its educational implications. *Two Quarterly Journal of Islamic Education.* Publisher of Hozeh and University Research Institute. [In Persian]
- Amir Amini Khalaf Lou M. (2018). A study of education and its relationship with different philosophical perspectives. *3rd International Conference on Psychology, Educational and Behavioral Sciences. Tehran.* [In Persian]
- Ebrahimzadeh I. (2004). Philosophy of education, Tehran, *Payame Noor University.* Twelfth edition. [In Persian]
- Hassani A. (2012). Explaining and criticizing Ibn Arabi's view on the perfect human being and its educational implications. *Two Quarterly Journal of Islamic Education. Publisher of Hozeh and University Research Institute.* [In Persian]
- Jamshidi M. (2010). Analysis and explanation of Ibn Arabi's anthropological ideas and its educational implications. Master Thesis in History and Philosophy of Education. *Faculty of Educational*

مجله‌ی توسعه‌ی آموزش جندی‌شاپور
فصلنامه‌ی مرکز مطالعات و توسعه‌ی آموزش علوم پزشکی
سال دوازدهم، شماره 3، پاییز 1400

شناسایی مؤلفه‌های رئالیسم اسلامی با رویکرد انسان‌شناسی در راستای توسعه آموزش اعضای هیئت علمی

محمد برزوئی: دانشجوی دکترای فلسفه تعلیم و تربیت، گروه علوم تربیتی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران.
لادن سلیمی*: عضو هیئت علمی، گروه علوم تربیتی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.
عصمت رسولی: عضو هیئت علمی، گروه علوم تربیتی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.
وحید فلاح: عضو هیئت علمی، گروه علوم تربیتی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

چکیده: پژوهش حاضر با هدف شناسایی مؤلفه‌های رئالیسم اسلامی با رویکرد انسان‌شناسی در راستای توسعه آموزش به منظور استخراج استلزامات تربیتی انجام شد. این تحقیق به روش آمیخته انجام شده است. در بخش کیفی و با استفاده از نظر خبرگان از طریق مصاحبه نیمه ساختار یافته و بر اساس نتایج حاصل از تحلیل محتوا مصاحبه پرسشنامه‌ای تدوین گردید. بعد از انجام تحلیل عاملی اکتشافی تبیین واریانس عوامل مؤثر و ماتریس عوامل چرخش یافته، در نهایت 54 شاخص با 18 عامل برای رئالیسم اسلامی با رویکرد انسان‌شناسی شناسایی گردید و در قالب پرسشنامه در اختیار اعضای هیئت علمی دانشگاه قرار گرفت. این پرسشنامه‌ها به روش معادلات ساختاری مورد تحلیل قرار گرفته و پس از مشخص شدن وزن هر عامل تأثیر مؤلفه‌ها و شاخص‌ها مورد بررسی قرار گرفت و مدل پیشنهادی پژوهش جهت شناسایی مؤلفه‌های رئالیسم اسلامی با رویکرد انسان‌شناسی به منظور استخراج استلزامات تربیتی ارائه شد؛ و درجه تناسب مدل ارائه شده با توجه به مؤلفه‌های پژوهش مورد تأیید قرار گرفت. همچنین نتایج نشان داد مؤلفه‌های رئالیسم اسلامی با رویکرد انسان‌شناسی در توسعه آموزش اعضای هیئت علمی نقش مهم و تأثیرگذار دارد.

واژگان کلیدی: رئالیسم اسلامی، انسان‌شناسی، تعلیم و تربیت.

***نویسنده مسؤول:** عضو هیئت علمی، گروه علوم تربیتی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

Email: s.ladan@yahoo.com